

ای نام تو بهترین سرآغاز

گذر عمر

مجموعه مقالات

استاد عباس قربانیان بلوری

به کوشش:

دکتر یوسف متولی حقیقی

زمستان ۱۳۹۳

سرشناسه	:	قربانیان بلوری، عباس، ۱۳۲۲ -
عنوان و نام پدیدآور:	:	گذر عمر : مجموعه مقالات استاد عباس قربانیان بلوری / عباس قربانیان بلوری؛ به کوشش یوسف متولی حقیقی.
مشخصات نشر	:	مشهد: انتشارات مرندیز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۸ص: مصور. ۱۴×۵/۲۱×۵/۲۱س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۳۳۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	قربانیان بلوری، عباس، ۱۳۲۲ - -- نقد و تفسیر
موضوع	:	علوم انسانی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
شناسه افزوده	:	متولی حقیقی، یوسف، ۱۳۳۸ -
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۳ ک ۴ ق ۱۰۳ Z
رده بندی دیویی	:	۰۰۱/۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۷۴۶۴۵۵



نشر مرندیز

گذر عمر

مجموعه مقالات

استاد عباس قربانیان بلوری

به کوشش:

دکتر یوسف متولی حقیقی

چاپ: دقت

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۳۳۹-۸

نشانی: مشهد، میدان تختی، خیابان آبکوه ۷، دانشسرای ۸ شماره ۹۰

تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۷۴۷۶۵ دورنگار: ۰۵۱-۳۷۲۵۱۳۰۲

www.marandiz.com

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
استادی که من می‌شناسم (معرفی استاد عباس قربانیان بلوری به قلم دکتر یوسف متولی حقیقی).....	۵
به جای مقدمه.....	۱۱

بخش اول: مقالات در حوزه تاریخ

نسبت واهی واهمه ایرانیان از دریا و دریانوردی.....	۱۷
مدیریت اکتسابی است یا جبلّی؟ نگاهی به تجارب تاریخ سیاسی معاصر.....	۲۹
اهمیت خلیج فارس در گذر زمان و رقابت دولت‌ها بر سر آن.....	۳۵
موزه داری در ایران و ویژگی‌های آن.....	۵۳
سیری بر چگونگی پیدایی تصوف و تحولات آن در ایران.....	۶۱

بخش دوم: مقالات در حوزه شخصیت‌ها و اندیشه‌ها

جایگاه زن در چشم و دل نیچه.....	۹۱
نگاهی گذرا به سیر تحولات فکری از نیچه تا ساموئل هانتینگتون.....	۱۰۱
جایگاه سیاسی پروفیسور سید حسن امین در عصر حاضر.....	۱۰۹
برخورد آراء و اندیشه.....	۱۱۷
نقدی بر بخشی از کتاب اسلام شناسی روان شاد دکتر علی شریعتی.....	۱۲۳

بخش سوم: مقالات در حوزه فرهنگی و اجتماعی

- آداب چیدن سفره و میز غذاخوری ۱۳۱
- مردم را چگونه به سوی خود جلب نماییم؟ ۱۳۵
- به دیگران مجال صحبت و اظهار نظر بدهید ۱۳۹
- چگونگی برقراری ارتباط اثر بخش ۱۴۳
- استراتژی آموزش و پرورش جامعه بعد از انقلاب ۱۴۹
- انسان، اقتصاد، تعاون ۱۵۵

بخش چهارم: مقالات در حوزه تعلیم و تربیت

- تربیت کودک ۱۶۳
- اساس تمدن بر تعلیم و تربیت و بسیج نیروهای انسانی در راه سازندگی جامعه ۱۶۷
- اهمیت بازی در بازآفرینی کودکان ۱۷۳

بخش پنجم: مصاحبه

- مصاحبه با دبیر پیشکسوت تاریخ جناب آقای عباس قربانیان بلوری مدرس دانشگاه الزهرا و دانشگاه آزاد ۱۸۱

- بخش ششم: عکس‌ها ۱۹۳

استادی که من می‌شناسم
(معرفی استاد عباس قربانیان بلوری به قلم دکتر یوسف متولی حقیقی)

ای پیک راستان خبر یار ما بگو
احوال گل به بابل دستان سرا بگو
ما محرم‌ان خلوت انسیم غم مخور
با یار آشنا سخن آشنا بگو...
آن کس که منع ما ز خرابات می‌کند
گو در حضور پیر من این ماجرا بگو...
بر این فقیر نامه‌ی آن محتشم بخوان
با این گدا حکایت آن پادشاه بگو
جان‌ها ز دام زلف چو بر خاک می‌فشانند
بر آن غریب ما چه گذشت ای صبا بگو
جان پرورست قصه‌ی ارباب معرفت
رمزی برو پسر، حدیثی بیا بگو

برای آغاز نوشتن درباره‌ی استاد گرانقدر و دوست بزرگوارم جناب آقای
عباس قربانیان بلوری که خود مرید حافظ و مفسر شعر اوست به رسم تفعّل

از دیوان رند شیراز مدد خواستم که غزل بالا آمد. آن را به فال نیک گرفته و بر آن شدم تا به تعبیر حافظ «احوال گل» را به «بلبلان دستان سرا» گفته و با «یار آشنا سخن آشنا» بگویم.

استاد عباس قربانیان برای دوستان و همراهان، آشناتر از آن هستند که این نوشته‌ی کوتاه بخواند چیزی فراتر از آن را ارائه کند اما از آن جا که قرار است این نوشته به یادگار در روزگار بماند و آیندگان نیز این قبیل اسوه‌های انسانیت و فداکاری و مهربانی را بشناسند، این چند سطر فراهم آمد. پیش از این که با استاد عباس قربانیان آشنا شوم در سال ۱۳۵۴ خورشیدی افتخار شاگردی برادر بزرگ ترشان شادروان جواد قربانیان را در دانشسرای مقدماتی سبزوار یافته بودم. معلمی خوش اخلاق و باحافظه‌ی فوق العاده که متأسفانه عمرش دراز نبود و قبل از آشنایی من با استاد عباس قربانیان، جان به جان آفرین سپرد و یگانه برادرش را تا سال‌ها افسرده و غمگین ساخت.

در سال ۱۳۷۲ و زمانی که به استخدام دانشگاه آزاد بجنورد درآمدم برای نخستین بار با استاد قربانیان که ایشان هم همکاری خود را با این دانشگاه آغاز کرده بودند، آشنا شدم. استاد قربانیان پیش از آن در رشته‌ی تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی و هم زمان در دبیرستان‌های مشهد به تدریس اشتغال داشتند. صمیمیت فوق‌العاده با دانشجویان و هنر کلاس داری استاد در دانشگاه و نیز زنده‌دلی و بذله‌گویی‌هایشان در خوابگاه اساتید دانشگاه، توجه بسیاری از دانشجویان و اساتید را به ایشان جلب کرده بود. تبحر در کلاس داری استاد تا آن اندازه بود که سخت‌ترین درس‌های دانشگاه را با وجود این که در حوزه‌ی تخصص ایشان نبود به وی می‌دادند

و ایشان به راحتی از پس تدریس این درس‌ها بر می‌آمدند. شخصیت جالب و جذاب استاد قربانیان نگارنده را نیز همچون دیگر اساتید به خود جلب کرد و از همان زمان علاقمند به هم صحبتی و مراوده با ایشان شدم. تسلط بر اشعار حافظ، صدای زیبا و دلنشین، حاضر جوابی‌ها در کنار از خودگذشتگی‌ها، فداکاری‌ها، سنگ صبور بودن‌ها و نیز دوستی و مراوده با بزرگان شعر و ادب و هنر، از دیگر ویژگی‌های بارز ایشان بود که بر جذابیت هایشان می‌افزود. ارادت و خدمت استاد قربانیان به دوستان که از طیف‌های فکری گوناگونی بوده و هستند، کار را تا آن جا برای استاد کشانید که خواسته یا ناخواسته، زندگی خانوادگی خود را نیز فدای دوستان کرد و در دهه‌های ششمین و هفتمین عمر ناگزیر از پذیرش زندگی با شرایطی متفاوت شد.

استاد عباس قربانیان آن گونه که شناسنامه‌اش نشان می‌دهد در فروردین ۱۳۲۲ در شهر سبزوار به دنیا آمد و به گونه‌ای که خودش نقل می‌کند در یک سالگی پدر را از دست داد و در دامن مادری که حکم پدری هم برایش داشته، پرورش یافت. تحصیلات ابتدایی و نیمه‌ی اول متوسطه را در شهر سبزوار - که عشق به این شهر و مردمانش هنوز هم در نگاه و کلام و قلم او موج می‌زند - گذرانید و سپس برای ادامه‌ی تحصیلات در دانشسرای کشاورزی طرق به مشهد آمد. از قرار معلوم محیط آموزشی و پرورشی دانشسرای کشاورزی طرق تأثیر زیادی بر استاد قربانیان به جای گذاشته به گونه‌ای که هنوز هم بعد از گذشت نزدیک به پنجاه سال، همواره از محیط دانشسرا، هم کلاسی‌ها، دبیران و مسئولین آن و به ویژه از کسانی چون شادروان محمد شهرستانی و محمد سمیع غفرانی رئیس و معاون دانشسرا -

که در زمره‌ی مفاخر فرهنگی خراسان بوده‌اند - به نیکی یاد می‌کند.

آموزگاری در روستاهای سبزوار و سپس تدریس در دبیرستان اسرار سبزوار و بعد از آن ادامه‌ی تحصیلات در رشته‌ی تاریخ دانشکده ادبیات مشهد و شاگردی دکتر علی شریعتی، همه و همه زمینه‌ای شدند برای ادامه‌ی تحصیل استاد در دانشگاه سوربن پاریس.

تحصیل در فرانسه و آشنایی با محیط اجتماعی و علمی این سرزمین و سپس تدریس در مراکز آموزشی گوناگون، از دبیرستان‌های مشهد گرفته تا دانشگاه‌های متعدد از قبیل دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی، دانشگاه پیام نور مشهد، دانشگاه الزهراء تهران، دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد و چندین مؤسسه آموزش عالی دیگر، استاد قربانیان را تبدیل به انسانی ساخت پلورالیست که پذیرا و هم نشین و در عین حال نقاد هر نوع دوستی با اندیشه‌های گوناگون باشد. به همین دلیل در بین دوستان فراوان استاد، انسان‌هایی با تفکرات متفاوت از چپ و راست، مذهبی و سکولار، عامی و متخصص می‌توان مشاهده کرد. این نگاه در نوشته‌های متعدد ایشان هم که در مجلات و نشریات مختلف به چاپ رسیده، کاملاً نمایان است. هم از نظر تنوع مباحث و هم از نظر گستردگی دیدگاه‌ها. در جایی به قرآن مجید رفرنس می‌دهد و در جایی دیگر به کتاب سرمایه کارل مارکس استناد می‌کند. در مقاله‌ای از تربیت بدنی و اهمیت آن سخن می‌گوید و در جایی دیگر از تاریخ و تعلیم و تربیت و آداب اجتماعی. در جایی تفکرات شخصیتی چون دکتر علی شریعتی را نقد می‌کند و در جایی دیگر دکتر سیدحسن امین را می‌ستاید. در عین حال همه‌ی نوشته‌های استاد قربانیان خواندنی هستند و به همین دلیل بعد از هم فکری‌ها، استاد اظهار تمایل

کردند که برخی از نوشته هایشان که در درازای نیم سده‌ی اخیر در مجلات و نشریات مختلف چاپ شده، در مجموعه‌ای جداگانه و به صورت کتاب منتشر گردد. نگارنده‌ی این سطور که در حلقه‌ی ارادتمندان استاد قربانیان جای دارد. به رغم پاره‌ای از گرفتاری‌ها و بیماری‌ها پذیرفت که به پاس محبت‌های این مرد بزرگ و فروتن، نظارت گونه‌ای بر تدوین و تنظیم مطالب این مجموعه داشته باشد. در این راستا و با توجه به تنوع موضوعات مقالات، آنها در چهار مبحث: مقالات در حوزه تاریخی، مقالات در حوزه شخصیت‌ها و اندیشه‌ها، مقالات در حوزه فرهنگی و اجتماعی و مقالات در حوزه تعلیم و تربیت، تقسیم بندی گردیدند. علاوه بر این مقالات، مصاحبه انجام شده با استاد و نیز برخی از عکس‌های ایشان در پایان مجموعه حاضر آورده شده است. در ابتدای کار پیشنهاد شد که انتشار این مجموعه همراه با مجموعه مقالات یادگار نامه‌ی استاد عباس قربانیان باشد که ایشان فروتنانه، انتشار این یادگار نامه را که قرار بود دوستان ایشان بنویسند، نپذیرفتند. با این حال امید می‌رود که با همت دوستان متعدد استاد قربانیان که اکثراً اهل قلم و اندیشه و فرهنگ و هنر هستند و نیز همراهی سرکار خانم محبوبه عارفی سیکارودی که همراهی‌های ایشان نقش سترگی در بالنده شدن زندگی علمی و اجتماعی استاد قربانیان داشته و همچنین یاری فرزندان تحصیل کرده و سربلندشان: مهندس بکتاش قربانیان، مه‌رتاش قربانیان و ترمه قربانیان، در آینده‌ای نه چندان دور یادگار نامه‌ای برای این انسان فرهیخته و رها از تعلقات دنیوی تدوین و منتشر گردد.

برای حسن ختام این نوشتار بار دیگر از خواجه‌ی شیراز مدد گرفتم که غزل زیر آمد. با تقدیم کلام جاودانه لسان الغیب حافظ به استاد عباس

قربانیان، سخن خود را به پایان می‌برم و برای این فرزانه روشن ضمیر
تندرستی و رستگاری آرزو می‌کنم.

هزار شکر که دیدم به کام خویش باز
ز روی صدق و صفا گشته با دلم دمساز
روندگان طریقت ره بلا سپرند
رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز
غم حیب نهان به ز گفت و گوی رقیب
که نیست سینه ارباب کینه محرم راز...
بدین سیاس که مجلس منورست به دوست
گرت چو شمع جفائی رسد بسوز و بساز

آبان ماه ۱۳۹۳ خورشیدی

یوسف متولی حقیقی

به جای مقدمه

هستی دنیای فانی انتظار مردن است
ترک هستی را انتظار نیستی وارستن است
(صائب تبریزی)

بی هیچ تردیدی عاقبت کار آدمی مرگ است از این رو نویسنده‌ی این سطور که در فروردین ماه سال ۱۳۲۲ هجری شمسی در یک خانوادگی کارمند معمولی اداره‌ی دارایی شهرستان سبزوار متولد شده است، شاید به دلیل این که در یک سالگی‌اش پدر خود را از دست داده و با زندگی توأم با سختی و رنج رشد یافته، در نتیجه هیچگاه دلبستگی لازم به هستی و مال جهان همچون سایرین پیدا نکرده و نیز احتمالاً این واکنش ممکن است، بیانگر دیدگاه آن دسته از اندیشمندان از جمله روانشناسانی باشد، که معتقدند روحیات و روانیات افراد عموماً در اثر شرایط زیستی و شکل زندگی آنان به وجود می‌آید و نیز بیشتر جنبه‌ی اکتسابی دارد، به هر حال نگارنده‌ی این مطالب به گواهی دوستان، آشنایان و هم چنین همکارانش نه تنها از نوعی تسامح و تساهل و حتی بی‌تفاوتی نسبت به مطامع دنیوی

برخوردار بوده، حتی می‌توان در این ارتباط نوع گرایش او را در انتخاب شغل آموزگاری‌اش دلیل کافی در جهت پرهیز از دنیاگرایی تلقی کرد و باری نویسنده‌ی این گفتار پس از گذراندن دوران ابتدایی تحصیلی و نیز بدنبال سپری کردن مقطع سوم دبیرستان و شرکت نمودن در آزمون محلی مربوط به دانشسرای کشاورزی و پذیرفته شدن در امتحان مزبور، به منظور برخوردار شدن از امکانات و مزایای دو ساله‌ی تحصیل رایگان که به صورت شبانه روزی انجام می‌شد و در ضمن دولت متعهد به استخدام فارغ التحصیلان برای آموزگاری در روستاها بود، بدین سبب در هفده سالگی عازم مشهد گردیدم و در دانشسرای کشاورزی که واقع در حومه‌ی مشهد و در منطقه‌ی طرق قرار داشت به تحصیل پرداخته و از تجارب اساتید بسیار مجرب آن آموزشگاه بهره‌ی فراوان بردم و نیز همچنان نسبت به مقام علمی و اخلاقی آنها خود را مدیون میدانم و یادشان را پیوسته گرامی میدارم، ناگفته نماند که قبلاً برادرم که فقط دو سال از من بزرگتر بود به علت شرایط مشابه زندگی از دانشسرای مقدماتی نیشابور فارغ التحصیل شده بود و به کار معلمی در روستاهای محل زادگاهمان سبزوار اشتغال داشت، البته پیش از این روال و روند، من و برادر و نیز مادرم تحت سرپرستی دایی بزرگوaram روان شاد غلامعلی میلانی که در آن ایام در بیرجند در عهد حکمروایی شوکت الملک علم به استخدام آموزش و پرورش در آمده بود و به تازگی به سبزوار منتقل شده بود، به سر می‌بردیم. باری با گذراندن و سپری کردن دوران دوساله تحصیل و فارغ التحصیل شدن از دانشسرای کشاورزی در خردادماه سال ۱۳۴۱ بلافاصله به زادگاه خود مراجعت و نیز در تاریخ ۱۳۴۱/۷/۱۷ به استخدام اداره‌ی فرهنگ آن زمان شهرستان سبزوار

درآمدم و نیز به عنوان آموزگار عازم روستا شدم و به مدت پنج سال در روستاهای مختلف زادگاهم به تدریس مشغول بودم تا این که پس از اخذ دیپلم ادبی به صورت متفرقه در سال ۱۳۴۶ جهت تدریس ادبیات فارسی در دوره‌ی اول متوسطه به دبیرستان اسرار سبزوار منتقل شدم که متعاقب آن پس از شرکت در آزمون سراسری کشور موفق گردیدم که برای ادامه تحصیل در دوره‌ی لیسانس در رشته‌ی تاریخ ضمن تدریس در مدارس مشهد در دانشکده ادبیات و علوم انسانی به تحصیل بپردازم. خوشبختانه پس از چهار سال با درجه‌ی لیسانس و برخورداری از عنوان دانشجوی ممتاز در خرداد ماه ۱۳۵۲ فارغ التحصیل شدم و آماده‌ی اعزام با استفاده از مرخصی بدون حقوق و نیز با هزینه‌ی شخصی به فرانسه گردیدم و موفق شدم تا در سال ۱۳۵۵ با درجه‌ی فوق لیسانس در رشته‌ی تاریخ از دانشگاه سوربن هشت به نام ونسن فارغ التحصیل و جهت ادامه کار و اعاده به خدمت به کشور برگردم و به عنوان مدرس حتی التدریسی، ضمن ادامه خدمت در وزارت آموزش و پرورش به عنوان دبیر با چندین دانشگاه و از آن میان دانشگاه‌های: فردوسی مشهد، آزاد اسلامی بجنورد، الزهرا و علامه طباطبائی تهران همکاری کنم که همچنان فعلاً در مشهد در برخی از آموزشگاه‌ها و مؤسسات علمی به تدریس مشغول هستم. البته خدمت رسمی نگارنده در سال ۱۳۷۴ در آموزش و پرورش پایان یافت و با سمت استاد یاری بازنشسته شدم اما آنچه در پایان این شرح حال و فراز و نشیب زندگی باید به عنوان سپاس فراوان از دوست دانشمند و مورخ عالیقدر و همکار گرانمایه‌ام جناب آقای دکتر یوسف متولی حقیقی مطرح نمایم، درباره‌ی تلاش خالصانه و محبت صادقانه ایشان در بازبینی و اصطلاحاً

ویراستاری و اصلاح مقالات پراکنده ایست که در طی ۵۳ تدریس خود برای برخی از روزنامه و مجله‌های متعدد به مناسبت‌های مختلف نوشته‌ام، بی‌هیچ اغراق و مبالغه‌ای شخص ایشان علیرغم گرفتاری‌های عدیده‌ی نوشتاری و علمی خویش، قبول زحمت نموده و به مطالب پراکنده‌ام نظم داده و زمینه ساز چاپ و نشر آن گردیده‌اید ناگفته نماند که ایشان در هنگام بیماری بسیار سخت من، حق حیات به گردن من داشته و دارند و اینک با اقدام فروتنانه‌ی خود بار دیگر مرا رهین منت خویش قرار داده‌اند، امید است آنچه به یاری محبت ایشان تدوین گشته مقبول نظر خوانندگان محترم قرار گیرد و با سعی صدر و اغماض و چشم پوشی از معایب مورد ملاحظه قرار دهند.

با تشکر و امتنان فراوان از همی یاران و عزیزان

مشهد آبان ماه ۱۳۹۳

عباس قربانیان